

مقاله پژوهشی: واکاوی نقش هویت دینی در گرایش افراد به محافظه‌کاری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان)

محمودرضا رهبرقاضی،^۱ سید سعید حسن‌زاده،^۲ مهناز گودرزی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۱۲

چکیده

محافظه‌کاری همان سنت‌گرایی است و از سنت‌های اجتماعی و ارزش‌های جامعه دفاع می‌کند. محافظه‌کاران خود را هوادار عقل سلیم می‌دانند و با هرگونه طرح و اندیشه خیالی برای ایجاد دگرگونی عمیق در جامعه و سیاست مخالف‌اند. آن‌ها استدلال‌های خود را بر تجارب تاریخی بنیان می‌نهند و خود را عمل‌گرا یا پراگماتیست می‌نامند. در این راستا درحالی‌که برخی از محققان از وجود نوعی گروه‌های سیاسی محافظه‌کار در ایران بحث می‌کنند، اما اندیشمندان دیگری از جمله وجود احزاب محافظه‌کار در ایران را رد می‌کنند. با این حال حتی اگر در ایران احزاب محافظه‌کار نیز موجود نباشد، گرایش‌های مردم به ابعاد مختلف محافظه‌کاری در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در ایران نمی‌توان به‌طور کلی انکار کرد. به نظر می‌رسد بر اساس نظریات موجود، یکی از عواملی که می‌تواند بر روی گرایش مردم به محافظه‌کاری تأثیر گذارد، هویت دینی است؛ بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر دین‌داری بر روی محافظه‌کاری است که به شیوه پیمایشی در بین دانشجویان دانشگاه‌های مختلف شهر اصفهان صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، درحالی‌که هویت دینی تأثیر معنی‌داری بر روی محافظه‌کاری اقتصادی نداشته است، اما این هویت دینی با شدت قوی‌تری بر روی محافظه‌کاری فرهنگی و با توان متوسطی بر روی محافظه‌کاری سیاسی تأثیر مثبتی گذاشته است. همچنین نتایج نشان می‌دهد در جامعه مورد پژوهش، ابعاد محافظه‌کاری اقتصادی، فرهنگی و سیاسی همبستگی کمی باهم دارند و نمی‌توان از یک نوع محافظه‌کاری خالص در آن سخن گفت.

کلید واژه‌ها: هویت، هویت دینی، محافظه‌کاری اقتصادی، محافظه‌کاری فرهنگی، محافظه‌کاری سیاسی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان m.rahbarghazi@ase.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد:

hassanzadeh.saied@yahoo.com (نویسنده مسئول).

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان mahnaz.gudarzy@gmail.com

مقدمه

وضعیت دین در جوامع معاصر، از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران و اندیشمندان اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسان بوده است، به‌گونه‌ای که علی‌رغم رویکردهای شخصی، مهم‌ترین چهره‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، از جمله دورکیم، وبر و مارکس به این موضوع اندیشیده‌اند و متونی در این زمینه نگاشته‌اند که در تاریخ اندیشه جامعه‌شناسی، بر متفکران بعد از خود تأثیرگذار بوده است؛ چراکه دین در زمانه پیشامدرن، عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری نظم اجتماعی بوده و درک منطق دین در حیات اجتماعی به فهم وضعیت کنونی نیز کمک می‌کرده است. نقش دین در زمینه اجتماعی از ابعاد مختلفی از جمله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع جامعه‌پذیری، اعمال اقتدار در سیاست، تنظیم‌کننده روابط اخلاقی و هنجارهای اجتماعی مدنظر قرار داشته است. پس از فترت چندین‌ساله بعد از جنگ جهانی دوم در برخی از کشورها، مجدداً حیات دینی و ابعاد آن در شرایط اجتماعی معاصر با توجه به تحولات جامعه‌شناسی عمومی در کانون مطالعات جامعه‌شناسان قرار گرفته است (اعتمادی‌فرد، ۱۳۹۴).

به دلیل همین اهمیت مذهب در جوامع، محققان در رشته‌های مختلف علمی سعی کرده‌اند تا به بررسی تأثیر هویت دینی افراد بر روی نگرش‌ها، عقاید، جهت‌گیری‌ها و رفتارهای افراد بپردازند. این امر بدان دلیل است که به نظر می‌رسد اجماع گسترده‌ای در بین اندیشمندان در مورد ارتباط نزدیک مذهب با برخی از رویکردها، عقاید و رفتارهای افراد وجود دارد (آرگیل، ۲۰۰۰). شاید به همین دلیل است که پژوهش‌های مختلفی در ایران در مورد رابطه دین و عقاید، افکار و رفتارهای سیاسی نوشته شده است (بهاروند، ۱۳۸۱؛ زحمت‌کش و جعفری، ۱۳۹۰؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۵)؛ همچنین برخی از محققان دیگر از قبیل امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، میرزایی (۱۳۸۸) و شایگان (۱۳۸۷) به بررسی پیمایشی در مورد رابطه دین‌داری و مؤلفه‌های مختلف سیاسی پرداخته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد پژوهش خاصی در مورد رابطه دین‌داری و نگرش محافظه‌کاری در ایران به شکل پیمایشی و داده‌های مستخرج از مردم صورت نگرفته است و خلاً مهمی در این زمینه وجود دارد.

محافظه‌كاري، سنت‌گرايي خودآگاهي است كه در واكنش به تجدد غربی پديد آمده و در برابر تحولات دنياي مدرن، تا آنجا كه توانسته، ايستادگي كرده است. معنای بنيادی محافظه‌كاري را بايد در احترام به سنت و مخالفت يا دگرگوني اساسی در حوزه‌های مختلف زندگي اجتماعي يافت. محافظه‌كاران همواره با گذشته و سنت مانوس‌تر بوده و از مواجهه با مسائل جهان نو هراس داشته‌اند. در اين راستا می‌توان گفت كه اساس محافظه‌كاري بر دو پايه استوار است: يكي مبارزه يا تغييرات بنيادی در جامعه و دومی دفاع از ارزش‌های موجود در جامعه. بدین ترتيب در عمل محافظه‌كاران طرفدار حفظ وضعيت فرهنگي، اجتماعي و اخلاقي موجود در جامعه هستند. آنان همچنين به لحاظ اقتصادي استدلال می‌كنند كه علت اصلي بحران اقتصادي همان مداخلات دولت در اقتصاد بوده است. از اين ديده‌گاه، به نظر آنان مداخله گسترده دولت در اقتصاد موجب ضعف شخصيت اخلاقي مردم می‌شود و آزادي آن‌ها را محدود می‌سازد. اندیشه اصلي محافظه‌كاران خودگردانی و خصوصي‌سازي و دولت كوچك يا حداقل است (بشيريه، ۱۳۸۷: ۱۸۵). در اين راستا، بسياری از محققان استدلال می‌كنند، يكي از عواملی كه باعث گرايش افراد به سمت محافظه‌كاري، به‌خصوص محافظه‌كاري اجتماعي می‌شود، دين است (گرين و همكاران، ۲۰۰۲)؛ به عبارت ديگر، دين‌داری و هويت ديني از متغيرهای مهمی است كه با نگرش محافظه‌كارانه ارتباط زيادی دارد و می‌تواند بر روی رفتارهای اجتماعي و اقتصادي آنان تأثير گذارد.

از سوی ديگر در مورد اينكه آیا جناح‌بندي‌های سياسي در ايران بر اساس گرايش به محافظه‌كاري و دموكراسي شكل گرفته است يا نه، ديده‌گاه‌های مختلفی وجود دارد. درحالي كه برخی محققان و انديشمندان اعتقاد دارند كه اصول‌گرايي معادل محافظه‌كاري می‌باشد (جهانيان، ۱۳۸۸: ۶۶)، اما انديشمندان ديگري از قبيل آشوري (۱۳۳۸) اين تقسيم‌بندي را زير سؤال برده و آن را به چالش می‌كشند. به‌رغم اين امر، اين موضوع كه دين‌داری چه تأثيري بر روی نگرش سياسي افراد به‌خصوص به لحاظ گرايش به يكي از جناح‌های سياسي ايران می‌گذارد، مسئله‌ای است كه داراي اهميت زيادی می‌باشد، چراكه هنوز بسياری از محققان و انديشمندان، اصول‌گرايي را معادل محافظه‌كاري قرار داده و معتقدند

که چون اصول‌گرایان بیش از اصلاح‌طلبان به دنبال حفظ وضع موجود سیاسی در کشور هستند، بنابراین این نوع گروه‌های سیاسی را می‌توان در قالب محافظه‌کاری سیاسی قرار داد (هاس، ۲۰۱۲: ۱۰۳؛ میرحسینی، ۲۰۰۲؛ چهایی، ۲۰۰۱)؛ بنابراین با این مفروض که گروه‌های سیاسی اصول‌گرا در ایران به لحاظ ایدئولوژیک، گروه‌هایی محافظه‌کار هستند، اهداف پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. واکاوی تأثیر دین‌داری بر گرایش افراد به محافظه‌کاری اقتصادی؛
۲. واکاوی تأثیر دین‌داری بر گرایش افراد به محافظه‌کاری اجتماعی؛
۳. واکاوی تأثیر دین‌داری بر گرایش افراد به محافظه‌کاری سیاسی

۱. مبانی نظری

ارتباط بین مذهب و سیاست به شکل‌های مختلف در ادبیات پژوهش اندیشمندان مورد بررسی قرار گرفته است و ادبیات موجود در این زمینه نشان می‌دهد که مذهب می‌تواند بر روی رفتار و نگرش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی افراد تأثیر گذارد. منابع علمی موجود حاکی از آن است که افرادی که دارای هویت دینی قوی‌تر هستند، به لحاظ نگرش سیاسی نیز محافظه‌کارتر هستند و همین امر باعث می‌شود تا چنین افرادی به سمت گروه‌های سیاسی راست‌گرا سوق یابند (Rinehart & Perkins, 1989: 38). در این راستا شونفلد^۱ با تجمیع نظریات موجود در این زمینه، استدلال می‌کند که مذهب نهاد محافظه‌کاری است که باعث می‌شود تا افراد دین‌دار به سمت سیاست‌های محافظه‌کارانه حرکت کنند (Schoenfeld, 1992: 112)؛ به عبارت دیگر مذهب به‌عنوان یک نهاد بسیار تأثیرگذار در جوامع، به‌طور عمده بر روی برنامه‌های سیاسی محافظه‌کارانه بنا شده است و چنین امری نیز به نوبه خود باعث شده است تا افرادی که دارای هویت دینی قوی‌تر هستند، به‌سوی گروه‌های سیاسی راست‌گرا گرایش یابند. ویمبرلی^۲ نیز با بررسی رابطه دین و سیاست به نتایجی مشابه با شونفلد دست پیدا می‌کند. او استدلال می‌کند که اعتقادات محافظه‌کارانه، تجانس بالایی با

1. Schoenfelds
2. Wimberley

فعالیت‌ها، تجارب و رفتارهای دینی دارد. چنین امری با نظریات گذشته در مورد انطباق و همسویی گرایش به محافظه‌کاری و هویت دینی افراد به‌طور کامل هماهنگ است. به همین دلیل ویمبرلی در نظریات خود به بحث در مورد تأثیرات بالا رفتن هویت دینی بر روی حوزه‌های دیگر زندگی افراد، خواه در عرصه‌های خصوصی و خواه در مسائل عمومی می‌پردازد. این امر بدان معنی است که نگرش سیاسی افراد نیز همسو با حوزه‌های دیگر زندگی تحت تأثیر مذهب قرار خواهد گرفت؛ چراکه مذهب نقش پررنگی در زندگی افراد می‌تواند بازی کند (Wimberley, 1978: 233).

۲. پیشینه‌شناسی تحقیق

از طرف دیگر، ادبیات موجود در زمینه رابطه دین و نگرش سیاسی حاکی از این است که افرادی که از هویت دینی کمتری برخوردار هستند، بیشتر از دیگران به سمت گروه‌های لیبرال کشیده می‌شوند؛ به عبارت دیگر دین‌داری باعث می‌شود تا شهروندان به سمت طیف مخالف گروه‌های سیاسی محافظه‌کار حرکت کرده و به احزاب دموکرات‌تر رأی دهند. این نقطه‌نظر جایگزین در گذشته توسط لیمن^۱ نیز اشاره شده است. لیمن استدلال می‌کند شواهد قانع‌کننده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد اعتقادات دینی و پیوندهای افراد با نهادهای مذهبی باعث می‌شود تا آن‌ها از احزاب راست و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنان حمایت کنند، این در حالی است که گروه‌های دموکراتیک بیشتر حامیان خود را از رأی‌دهندگان کسب می‌کنند که به‌طور عمده دارای گرایش‌های سکولارتر و لیبرال‌تر در مباحث مذهبی هستند (Layman, 1997: 289). لیمن در جایی دیگر در این ارتباط اظهار می‌دارد:

«شیوع ارزش‌های سکولاریسم در احزاب دموکراتیک در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی باعث شد که لیبرالیسم فرهنگی در درون این احزاب و گروه‌های سیاسی رسوخ یابد و از سوی دیگر تعهد به ارزش‌های الهی در احزاب راست‌گرا در دهه ۱۹۸۰ میلادی منجر به این امر گردید تا این احزاب هویت دینی را به‌عنوان بخشی از عنصر هویتی خود تعریف کنند.

بدین ترتیب افزایش مداوم هویت سکولاریستی در احزاب دموکرات و تأکید بیشتر بر روی عنصر ایمان مذهبی در احزاب راست‌گرا باعث شد تا قطب‌بندی در مواضع فرهنگی این احزاب و گروه‌های سیاسی در دهه ۱۹۹۰ میلادی تشدید یابد» (لیمن، ۲۰۰۱: ۳۰۷).

منطبق با ادبیات موجود در این زمینه، به نظر می‌رسد هرکدام از گروه‌های سیاسی، به‌منظور جذب حداکثری شهروندان همسو با برنامه‌های سیاسی خود و کمک‌های آنان به‌منظور موفقیت‌های بیشتر آن حزب، سعی می‌کنند تا برنامه‌های منحصر به فردی را ارائه دهند. یافته‌های گذشته نشان می‌دهد که احزاب راست‌گرا و محافظه‌کار به‌طور عمده بر روی تعهد خود به تقویت جایگاه ارزش‌های دینی تأکید می‌کنند، این در حالی است که احزاب دموکرات از سوی پایگاه اجتماعی موجود در جامعه تحت فشار شدیدی به‌منظور کاهش دادن اهمیت دین در جامعه قرار دارند (Patrikois, 2008: 373). حال سؤال مهمی که وجود دارد، این است که چرا هویت دینی در جامعه امروزی هنوز می‌تواند بر روی ایدئولوژی‌های سیاسی افراد تأثیر گذارد؟ برخی از اندیشمندان در این زمینه معتقدند که علت اصلی این تفاوت در ایدئولوژی سیاسی افراد، به موضوع تباین ارزش‌ها و اعتقادات در میان شهروندان برمی‌گردد. تحقیقات گذشته نشان می‌دهند آموزه‌های دینی به‌عنوان بخشی از ارزش‌های شخصی محافظه‌کارانه‌ای محسوب می‌شوند که می‌توانند در آینده بنیان استدلال‌های سیاسی و هویت‌های عمومی را شکل دهند؛ بنابراین نه تنها دین می‌تواند به شکل مستقیم بر روی ایدئولوژی افراد تأثیر گذارد، بلکه همچنین آموزه‌های دینی می‌توانند به شکل غیر مستقیم و از طریق مناسک دینی صورت‌گرفته در مکان‌های مذهبی نیز بر روی نگرش‌های شهروندان تأثیر گذارند. در این راستا، کافمن^۱ استدلال می‌کند که رهبران دینی می‌توانند از طریق بحث‌های دینی خود باعث شوند تا افراد بین اعتقادات دینی و جهان سیاسی ارتباط برقرار کنند. بدین ترتیب افرادی که در آیین‌های دینی شرکت می‌کنند، تحت تأثیر برخی از پیام‌های سیاسی روحانیون دینی به ایدئولوژی‌های خاصی گرایش می‌یابند (Kaufmann, 2004: 493). در این زمینه گورن^۲ استدلال می‌کند که

1. Kaufmann
2. Goren

همسان‌انگاری هویتی فرد با گروه‌های دینی و مجموعه‌ای از معتقدان دینی مشابه، می‌تواند باعث تشدید بازشناسی هویتی این افراد با احزاب راست و محافظه‌کار شود (Goren, 2005: 882).

نظریه جنگ‌های فرهنگی که حاصل کار جامعه‌شناسانی همچون هانتز^۱ و وثنو^۲ می‌باشد، مورد دیگری است که به بحث در مورد رابطه مذهب و نگرش سیاسی پرداخته است. منظور از اصطلاح جنگ‌های فرهنگی، یعنی تفاوت‌ها در چگونگی و میزان اعتقادات و رفتارهای دینی هواداران و حامیان احزاب و گرایش‌های مختلف سیاسی است که همگی پیرو یک آیین مذهبی هستند. به اعتقاد هانتز، محور این جنگ‌های فرهنگی، اختلافات عمیق اخلاقی و مذهبی می‌باشد. در یک سوی این اختلافات فرهنگی، افرادی با اعتقادات و دل‌بستگی‌های سنتی و با میزان زیادی از التزامات مذهبی قرار دارند که تمایل دارند به یک منبع اقتدار متعالی بیرونی التزام داشته باشند و در سوی دیگر آن، افرادی با اعتقادات مذهبی مترقی و التزام مذهبی ضعیف‌تر هستند که به جای حقایق اخلاقی اردوگاه سنت-گرایان، به یک نوع اقتدار اخلاقی انسانی در درون مرزهای معرفت معتقد هستند. اعتقادات مذهبی به این علت رفتار انتخاباتی و سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که منبع ارزش‌های سیاسی و اجتماعی هستند؛ ارزش‌هایی که به‌طور مستقیم حمایت‌های حزبی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این راستا، افرادی که به اعمال مذهبی التزام دارند، موقعیت‌های محافظه‌کارانه‌ای داشته و به احزابی گرایش می‌یابند که موقعیت محافظه‌کارانه‌ای اتخاذ می‌کنند، در حالی که افرادی که کمتر دین‌دارترند، به‌طور عمده در مسائل فرهنگی و سیاسی به احزاب دموکرات گرایش می‌یابند (به نقل از میرزایی، ۱۳۸۸).

در مورد رابطه اسلام و محافظه‌کاری نیز پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. در این راستا، برنارد لویس^۳ استدلال می‌کند که در کشورهای اسلامی، امتزاج دولت به معنای حکومت مدرن و سکولار، با مذهب به‌سختی می‌تواند قابل تصور باشد. به همین دلیل وی معتقد است که تصور این امر که هویت اسلامی موجب گرایش افراد به دموکراسی غربی گردد، چندان عقلانی به نظر نمی‌رسد. در نتیجه لویس تأکید می‌کند که آموزه‌های اسلامی

برای گرایش دادن افراد به سمت نظام دموکراتیک، حداقل به معنای غربی آن، آن‌طور که در جوامع غربی موجود است، مناسب نیست. به همین دلیل وی معتقد است که ارزش‌های اسلامی تنها باعث ایجاد نگرش‌های محافظه‌کارانه و تئوکراتیک و نه ارزش‌های لیبرال-دموکراسی در بین افراد می‌شوند (لویس، ۱۹۹۳: ۹۶).

پارادایم برخورد تمدن‌ها نظریه دیگری است که به بحث در مورد ناسازگاری بنیانی بین اسلام و ارزش‌های دموکراسی می‌پردازد و اشاره می‌کند که اسلام به‌طور عمده باعث گرایش شهروندان مسلمان به سمت گروه‌های سیاسی ضد دموکراتیک و محافظه‌کاری دینی می‌گردد. هانتینگتون^۱ همسو با نظریات لویس استدلال می‌کند که اسلام تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک غربی محسوب می‌شود. او اعلام می‌کند که در آینده هویت‌های تمدنی اهمیت بالایی پیدا خواهند کرد و آنچه در این زمینه به‌عنوان تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک غربی محسوب می‌شود، نه بنیادگرایی دینی، بلکه خود ارزش‌های اسلامی است (Huntington 1996, 217). او معتقد است که اسلام، به‌عنوان دینی که ماهیتاً با ارزش‌های دموکراسی مدرن ناسازگار است، به‌عنوان بنیان واقعیت‌های سیاسی موجود در کشورهای اسلامی باعث کاهش انگیزه گرایش افراد به سمت آزادی‌های سیاسی و مدنی مدنظر غرب می‌شود. این نظریه به نظر می‌رسد همان چیزی است که فرانسیس فوکویاما^۲ (۲۰۰۱ م) نیز به آن اشاره کرده بود:

«ارزش‌های مدرنیته و دموکراسی، بنیانی فرهنگی دارند... این امر که لیبرال-دموکراسی مدرن ابتدا در درون غرب مسیحی به وجود آمده است، امری تصادفی نیست، چراکه جهان‌شمول‌گرایی حقوق دموکراتیک به‌عنوان شکل سکولار جهان‌شمول‌گرایی ارزش‌های مسیحیت دیده می‌شود... اما به نظر می‌رسد چنین ارزش‌های لیبرال-دموکراسی در مورد ارزش‌های دینی اسلامی، یا حداقل روایت بنیادگرایانه از اسلام، صادق نیست، زیرا مسلمانان در مقابل چنین ارزش‌های مدرنی مقاومت می‌کنند».

1. Huntington
2. Francis Fukuyama

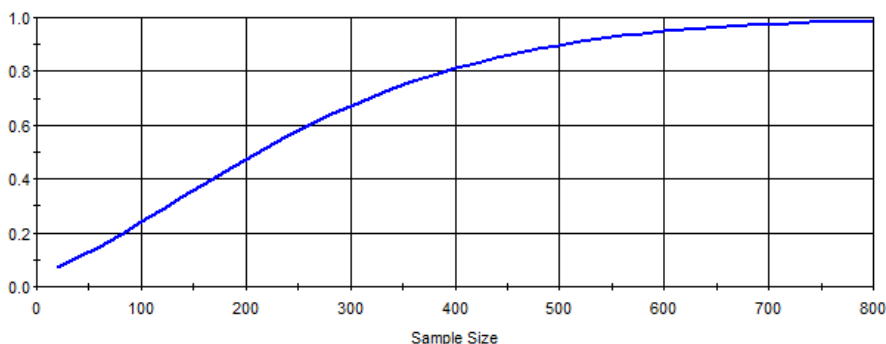
در ایران نیز عده‌ای معتقدند که ارزش‌های دموکراتیک و اسلام به‌طور بنیادی با یکدیگر ناسازگارند. این ناسازگاری به دلیل تفاوتی است که در برداشت از مفهوم حاکمیت وجود دارد. مخالفان دموکراسی معتقدند در اسلام حاکمیت تنها از آن خداوند است. انسان‌ها تنها مجریان اراده اویند. از سوی دیگر در دموکراسی حاکمیت از آن مردم است و این در نظر این دسته از مسلمانان موجب شرک می‌شود. بسیاری از شخصیت‌های مسلمان از جمله مصباح یزدی و علامه طباطبایی مخالف دموکراسی هستند (فیله‌کش، ۱۳۹۲: ۱۱). برای مثال علامه مصباح یزدی در نسبت اسلام و ارزش‌های دموکراتیک معتقد است که باید قوانین خداوند بر مردم حاکم باشد و جایی برای دموکراسی وجود ندارد؛ بنابراین روش اسلامی، روش دموکراسی نیست؛ زیرا در واقع قوانین ثابت‌ه اسلام همان وضع قوانین خدا است، درحالی‌که مبنای دموکراسی، مولود افکار جماعت و وضع‌شده توسط ملت است. بر اساس این رویکرد دموکراسی به معنی اصالت دادن به اراده انسان در برابر اراده خداوند است و به اومانیسیم منتهی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۶). مطالعات تجربی نیز در ایران نشان می‌دهد که دین‌داری یکی از عوامل مهم در گرایش مردم به سمت محافظه‌کاری به شمار می‌رود. برای مثال نتایج پژوهش خلف خانی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که پاسخگویان دارای گرایش سیاسی محافظه‌کار از لحاظ نوع دین‌داری به‌طور عمده از نوع رادیکال اسلامی بوده‌اند و چنین افرادی بیش از دیگران به محافظه‌کاری گرایش داشتند. همچنین صولتی (۱۳۸۸) با بررسی ابعاد تأثیر مختلف دین‌داری بر روی نگرش‌های سیاسی نشان می‌دهد که بُعد مناسکی دین‌داری تأثیر معنی‌داری بر روی گرایش سیاسی افراد داشته است، به‌طوری‌که این مؤلفه باعث فاصله گرفتن افراد از نگرش‌های دموکراتیک و گرایش آنان به سمت محافظه‌کاری می‌شود. سادات علمدار (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود با استفاده از نظریات کنش و بر، نظریه سلسله‌مراتب سایبرنتیک پارسونز^۲ و متغیرهای الگویی به بررسی تأثیرات دین‌داری بر روی گرایش‌های مردم به نوگرایی می‌پردازد و در نتایج خود نشان می‌دهد که با افزایش دین‌داری، جهت‌گیری استقلال‌طلبانه و جهت‌گیری دموکراتیک کاهش می‌یابد و به این

ترتیب هویت دینی باعث گرایش مردم به سمت سنت‌گرایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های محافظه‌کاری می‌شود. سرانجام موحد و دلبری (۱۳۸۳) با استفاده از نظریه ماکس وبر برای نشان دادن رابطه دین‌داری و نگرش سیاسی مردم، به بررسی تأثیرات ابعاد مختلف دین‌داری و میزان کل دین‌داری، بر روی نگرش نسبت به دموکراسی می‌پردازند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که متغیرهای دین‌داری و ابعاد مختلف آن با نگرش نسبت به دموکراسی رابطه معکوس داشته‌اند و هرچه به میزان دین‌داری افراد در ابعاد مختلف افزوده می‌گردد، نگرش ایشان به دموکراسی منفی‌تر می‌شود. به این ترتیب همان‌طور که ادبیات داخلی و خارجی پژوهش بر اساس مبانی نظری این پژوهش نشان می‌دهد، دین‌داری به‌طور عمده باعث گرایش افراد به سمت محافظه‌کاری می‌شود؛ اما نوآوری این پژوهش در آن است که در این پژوهش سعی شده است برخلاف پژوهش‌های گذشته، تنها بر روی بُعد سیاسی نگرش محافظه‌کاری تأکید نشود و ابعاد دیگر محافظه‌کاری، یعنی محافظه‌کاری فرهنگی و اقتصادی نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی همبستگی است و از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی است که در دی‌ماه سال ۱۳۹۵ صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه‌های مختلف شهر اصفهان بود و همان‌طور که جدول شماره ۱ در پایین نشان می‌دهد، برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار SPSS Sample power استفاده شد که با محسوب کردن چهار بعد دین‌داری به‌عنوان متغیر مستقل، حجم اثر ۰/۰۳ و با توان ۰/۸۰ تعداد حجم نمونه ۴۰۰ نفر کافی به نظر می‌رسید؛ اما با در نظر گرفتن احتمال ریزش برخی پرسشنامه‌ها و همچنین به‌منظور کاهش خطای نوع اول و نوع دوم، تعداد ۴۴۰ پرسشنامه در بین دانشجویان به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای پخش شد که از این تعداد ۴۱۲ پرسشنامه سالم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

Power as a Function of Sample Size



شکل ۱. برآورد حجم نمونه کمی پژوهش

در این راستا، از این تعداد پرسشنامه پخش شده، $42/8$ درصد افراد مرد و $57/2$ درصد افراد زن می‌باشند که در دامنه سنی ۱۸ سال تا ۴۰ سال قرار داشتند و میانگین سنی آنان $22/41$ بود. همچنین $60/8$ درصد افراد دارای تحصیلات کارشناسی، 30 درصد افراد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و $9/2$ درصد آنان دارای تحصیلات دکتری بودند. سرانجام $12/5$ درصد افراد دارای درآمد خانوادگی پایین (سطح درآمد کمتر از یک میلیون تومان در ماه)، $82/7$ درصد دارای سطح درآمدی متوسط (سطح درآمد بین یک میلیون تومان تا سه میلیون تومان در ماه) و $4/8$ درصد دارای درآمد بالا (سطح درآمد بالاتر از سه میلیون تومان در ماه) بودند. از سوی دیگر به‌منظور سنجش متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، از ابزارهای سنجش زیر استفاده شد:

به‌منظور سنجش متغیر مستقل پژوهش از سنجه دین‌داری مسلمانان توسط سراج‌زاده (۱۳۷۷) استفاده شده است. در سنجه دین‌داری مسلمانان چهار بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی مورد توجه قرار گرفته است. سنجه دین‌داری مسلمانان متشکل از ۲۶ سؤال است و دارای چهار زیرمقیاس بعد اعتقادی، بعد تجربی، بعد پیامدی و بعد مناسکی است. در بعد اعتقادی پرسشنامه، سؤالاتی در حوزه اصول دین گنجانده شده است. سؤالاتی در مورد اعتقاد به خداوند، معاد، حقانیت قرآن، فرشتگان، ظهور حضرت مهدی (عج) و لزوم پرداختن به امر به معروف و نهی از منکر. در بُعد مناسکی سؤالاتی در مورد

فرائض دینی مثل نمازهای روزانه، روزه گرفتن در ماه رمضان و سایر اعمال دینی همچون قرائت قرآن، شرکت در نمازهای جماعت و جمعه، شرکت در مراسم جشن و عزاداری مذهبی آمده است. در سؤالات مربوط به بُعد عاطفی مسائلی همچون ترس از خدا و توبه و تقرب به او و عواطف فرد نسبت به پیامبر و اولیا مورد پرسش واقع شده است. در بعد پیامدی نیز چهارچوب‌های رفتاری که یک فرد مسلمان ملزم به رعایت آن‌ها در زندگی روزمره است، مورد توجه قرار گرفته است؛ مسائلی مانند حجاب، پرهیز از مصرف مشروبات الکلی و مانند آن‌ها. سؤالات این پرسشنامه نگرشی هستند و در یک طیف پنج‌درجه‌ای بر اساس سیستم لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. برای بررسی پایایی این پرسشنامه از روش هم‌انگهی درونی استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای سنجه کلی دین‌داری ۰/۸۳ محاسبه شده است. روایی این پرسشنامه نیز از طریق سه رویکرد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مؤید روایی ساختی و روایی ظاهری آن هستند. روایی بیرونی پرسشنامه از طریق رابطه بین نمرات افراد در پرسشنامه و ارزیابی خودشان از میزان دین‌داری خود در یک طیف ۱۰ قسمتی، ۰/۶۱، محاسبه گردیده است. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ برای سنجه کلی دین‌داری ۰/۷۸ به دست آمد.

ابزار دیگر مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه گرایش‌های محافظه‌کارانه افراد بود. در این راستا، برای سنجش نگرش‌های محافظه‌کارانه از پرسش‌نامه از نوع سنج لیکرت استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۳ سؤال است (پنج سؤال برای محافظه‌کاری اقتصادی، هفت سؤال برای محافظه‌کاری فرهنگی و یک سؤال برای محافظه‌کاری سیاسی). برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسشنامه SECS^۱ طرح و پس از بررسی توسط اساتید علوم سیاسی مورد ویرایش قرار گرفت و سرانجام تعداد ۱۳ سؤال انتخاب شد و پس از ویرایش و به‌منظور اطمینان بیشتر بر روی یک گروه چهل نفری به‌صورت آزمایشی اجرا شد. در این پژوهش ضرایب پایایی این مقیاس برای محافظه‌کاری اقتصادی و فرهنگی به روش کرونباخ برابر ۰/۷۶ درصد بوده است. به‌منظور افزایش دقت و با توجه به شرایط جامعه ایران، این پرسشنامه به سه بعد محافظه‌کاری اقتصادی (از قبیل دیدگاه فرد در مورد

کاهش مداخلات اقتصادی دولت، ایجاد صنایع بزرگ نظامی در کشور و ...)، محافظه‌کاری فرهنگی (از قبیل دیدگاه فرد در مورد اهمیت دادن به ارزش‌ها و آداب‌ورسوم سنتی، اهمیت میهن‌دوستی، تأکید بر جایگاه خانواده و ...) و محافظه‌کاری سیاسی (یک سؤال ده درجه‌ای ترتیبی در مورد اینکه در صورت تمایل فرد به شرکت در انتخابات سال آینده، او به کدام‌یک از گروه‌های سیاسی اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب حاضر است رأی دهد که در این گویه اعداد پایین نشان‌دهنده گرایش به اصلاح‌طلبی و اعداد بالا نشان‌گر گرایش به اصول‌گرایی است). تقسیم گردید.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

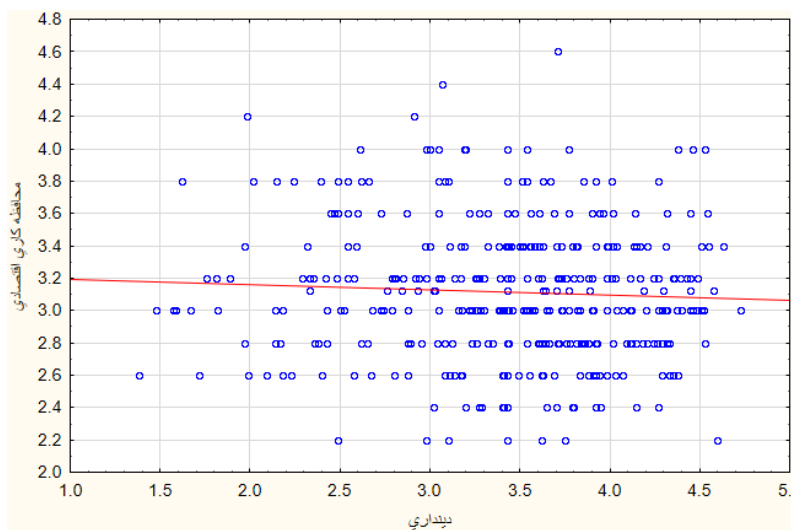
آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که به‌طور متوسط امتیاز چهار زیرمقیاس بعد اعتقادی، بعد تجربی، بعد پیامدی و بعد مناسکی به ترتیب ۴/۰۰، ۳/۸۴، ۲/۹۹ و ۲/۸۹ بود و همچنین نمره کل دین‌داری پاسخگویان ۳/۴۳ با انحراف استاندارد ۰/۶۷ می‌باشد که این نتایج نشان می‌دهد، هرچند نمره کل دین‌داری و همچنین ابعاد اعتقادی و تجربی دین‌داری در جامعه مورد بررسی تا حدودی بالا می‌باشد، ولی در ابعاد دیگر دین‌داری، پاسخگویان مورد بررسی تا حدودی به بعد مناسکی دینی نسبتاً اهمیت کمتری در مقایسه با ابعاد دیگر دین‌داری می‌دانند. از سوی دیگر میانگین متغیرهای محافظه‌کاری حاکی از آن است که میانگین به‌دست‌آمده برای محافظه‌کاری اقتصادی ۳/۱۲ است که نشان‌دهنده آن است که به لحاظ اقتصادی، افراد مورد بررسی تا حدود کمی از برنامه‌های بازار اقتصاد آزاد و خصوصی‌سازی، بیشتر از برنامه‌های سوسیالیسم اقتصادی حمایت می‌کنند. همچنین میانگین نمره محافظه‌کاری فرهنگی ۳/۵۳ است که این امر حاکی از آن است که پاسخگویان به لحاظ فرهنگی به‌طور عمده از شعارها و برنامه‌های مبتنی بر سنت‌ها و آداب‌ورسوم حمایت می‌کنند و علاقه چندانی به نوآوری‌ها و تجدد در حوزه‌های فرهنگی ندارند. سرانجام میانه به‌دست‌آمده برای متغیر ترتیبی محافظه‌کاری سیاسی ۵ و

میانگین آن ۴/۵۴ است (حداقل نمره ۱ و حداکثر نمره ۹) که این امر نشان می‌دهد شاخص گرایش به مرکز این متغیر در حد وسط است.

۴-۲. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بررسی هدف اول پژوهش: تأثیر دین‌داری بر روی محافظه‌کاری اقتصادی

برای بررسی تأثیر دین‌داری بر هر یک از ابعاد محافظه‌کاری اقتصادی پاسخگویان، از نمودار پراکنش و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. جداول پایین نتایج نمودار پراکنش و مدل رگرسیونی را به‌ازای تأثیر ابعاد دین‌داری، شامل چهار زیرمقیاس بعد اعتقادی، بعد تجربی، بعد پیامدی و بعد مناسکی، با ایستارهای محافظه‌کارانه نشان می‌دهد:

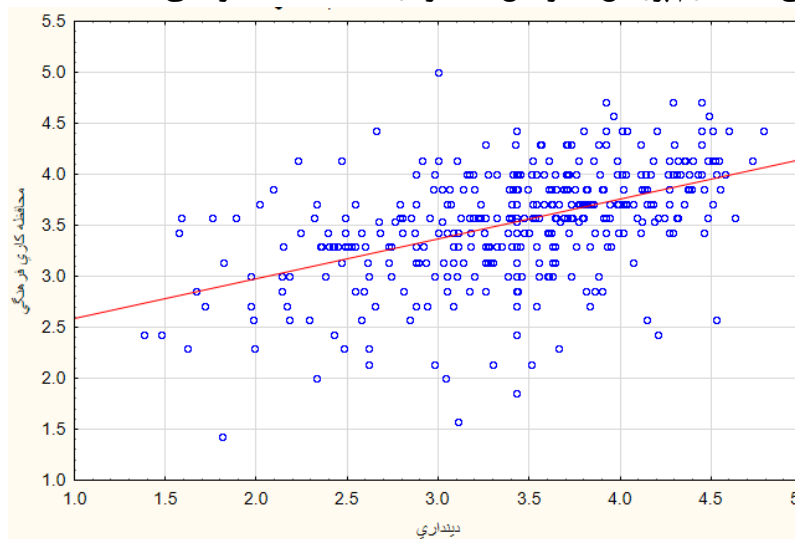


شکل ۲. نمودار پراکنش رابطه کل دین‌داری و محافظه‌کاری اقتصادی

نمودار پراکنش فوق رابطه کل دین‌داری و محافظه‌کاری اقتصادی را نشان می‌دهد. همان‌طور که خط پراکنش نشان می‌دهد، رابطه چندانی میان این دو متغیر وجود ندارد؛ به عبارت دیگر افزایش یا کاهش میزان دین‌داری کل افراد، رابطه معنی‌داری با گرایش به محافظه‌کاری اقتصادی یا همان حمایت از بازار اقتصاد آزاد ندارد. از سوی دیگر، نتایج رگرسیون چندمتغیره در مورد تأثیر ابعاد اعتقادی، بعد تجربی، بعد پیامدی و بعد مناسکی

دین‌داری بر محافظه‌کاری اقتصادی نیز حاکی از آن است که میزان $F=1/84$ و سطح معنی‌داری مدل پژوهش $0/12$ و ضریب تعیین آن $0/01$ است و این امر نشان می‌دهد مدل پژوهش چندان مدل خوبی نیست و زیرمقیاس‌های دین‌داری قابلیت رابطه‌سنجی محافظه‌کاری اقتصادی را ندارند؛ به عبارت دیگر هویت دینی تأثیر چندانی بر روی گرایش به محافظه‌کاری در حوزه‌های اقتصادی ندارد.

بررسی هدف دوم پژوهش: تأثیر دین‌داری بر روی محافظه‌کاری فرهنگی



شکل ۳. نمودار پراکنش رابطه کل دین‌داری و محافظه‌کاری فرهنگی

نمودار پراکنش فوق، رابطه کل دین‌داری (مجموع ابعاد چهارگانه دین‌داری) و محافظه‌کاری فرهنگی را نشان می‌دهد. همان‌طور که خط پراکنش نشان می‌دهد، رابطه مثبتی میان این دو متغیر وجود دارد؛ به عبارت دیگر افزایش میزان دین‌داری کل افراد رابطه معنی‌داری با گرایش به محافظه‌کاری فرهنگی یا همان حمایت از آداب‌ورسوم و ارزش‌های سنتی دارد و باعث چنین نگرش‌های فرهنگی در جامعه می‌شود.

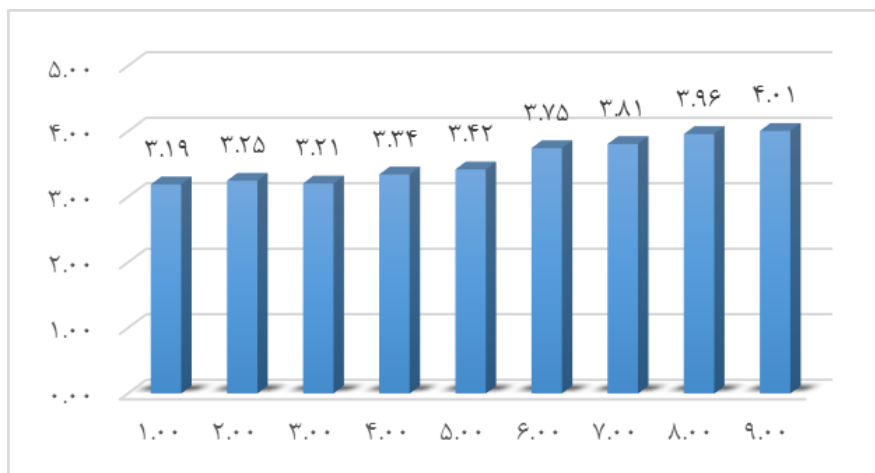
جدول ۱- ضرایب رگرسیون به ازای رگرسیون هر بعد از ابعاد دین‌داری بر محافظه‌کاری فرهنگی

	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	T	سطح معنی داری
	B	خطای معیار	بتا		
عرض از مبدأ	۲/۱۵	۰/۱۲		۱۶/۹۹	۰/۰۰
اعتقادات	۰/۱۲	۰/۰۴	۰/۱۹	۲/۹۶	۰/۰۰
تجربی	۰/۱۰	۰/۰۴	۰/۱۴	۲/۲۱	۰/۰۲
پیامدی	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۱۴	۲/۵۶	۰/۰۱
مناسکی	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۱۲	۲/۰۳	۰/۰۴
R ² = ۰/۲۵ F= ۳۵/۲۴ Sig.= ۰/۰۰					

جدول فوق به دنبال بررسی میزان تأثیر ابعاد مختلف دین‌داری بر روی محافظه‌کاری فرهنگی در بین افراد مورد بررسی می‌باشد. هدف این جدول بررسی واریانس کلی رابطه سنجی شده محافظه‌کاری فرهنگی توسط مدل ابعاد مختلف دین‌داری است. همان‌طور که نتایج ضریب تعیین نشان می‌دهد، ابعاد مختلف دین‌داری حدود ۲۵٪ واریانس هویت ملی را واکاوی می‌کند. همچنین سطح معنی‌داری به دست آمده برای مقدار F نشان می‌دهد ضرایب در سطح $p < ۰/۰۱$ معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر مدل مورد بررسی این پژوهش که از چهار بعد از ابعاد مختلف دین‌داری تشکیل یافته است، مدل قابل قبول و خوبی برای واکاوی محافظه‌کاری فرهنگی می‌باشد.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تمام ابعاد اعتقادی، بعد تجربی، بعد پیامدی و بعد مناسکی دین‌داری بر روی محافظه‌کاری فرهنگی تأثیر معنی‌دار داشته‌اند. از سوی دیگر جهت آماره t نشان‌دهنده این امر است که تمامی ابعاد دین‌داری تأثیر مثبتی بر روی هویت دینی افراد می‌گذارد؛ بنابراین ضرایب بتا نشان می‌دهد که به هر میزان ابعاد دین‌داری افزایش می‌یابد، گرایش آنان به محافظه‌کاری فرهنگی بیشتر می‌شود. لازم به ذکر است که مؤلفه اعتقادات دینی بیشترین تأثیر را بر روی گرایش پاسخگویان به محافظه‌کاری فرهنگی داشته است.

بررسی هدف سوم پژوهش: تأثیر دین‌داری بر روی محافظه‌کاری سیاسی



شکل ۴. نمودار ستونی رابطه کل دین‌داری و محافظه‌کاری سیاسی

نمودار شماره ۳ میانگین دین‌داری کل (در ستون عمودی نمودار) در بین پاسخگویان با میزان گرایش‌های مختلف به محافظه‌کاری سیاسی (در سطر افقی نمودار) را نشان می‌دهد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شده است، اعداد پایین نشان‌دهنده گرایش به اصلاح‌طلبی است و هرچه به سمت اعداد بالاتر حرکت می‌کنیم، میزان گرایش به اصول‌گرایی افزایش می‌یابد. در این راستا، نتایج نشان می‌دهد میانگین دین‌داری افرادی که به اصلاح‌طلبی نزدیک‌تر هستند، کمتر از کسانی است که به اصول‌گرایان نزدیک هستند. برای مثال، میانگین دین‌داری رتبه ۱ در سطر افقی نمودار که نشان‌دهنده افراد بسیار اصلاح‌طلب می‌باشد، ۳/۱۹ می‌باشد؛ اما میانگین دین‌داری رتبه ۹ در سطر افقی نمودار که نشان‌دهنده افراد بسیار اصول‌گرا می‌باشد، ۴/۰۱ می‌باشد که این امر نشان‌دهنده قوی‌تر بودن هویت دینی در بین محافظه‌کاران سیاسی است.

جدول ۲. آزمون نکویی برازش

سطح معنی داری	درجه آزادی	کای اسکوئر
۰/۹۹	۳۶۸۶	۳۴۸۲/۱۵
۱/۰۰	۳۶۸۶	۱۵۴۲/۹۲

جدول ۲ نتایج آزمون نکویی برازش را نشان می‌دهد. این جدول نشان‌دهنده نتیجه دو آماره کای اسکوئر پیرسون و کای اسکوئر انحراف را نشان می‌دهد. طبق نتایج جدول، سطح معنی داری نتیجه هر دو آماره کای اسکوئر پیرسون و انحراف، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. از این رو، می‌توان استدلال کرد که مدل رگرسیونی برای بررسی تأثیر ابعاد دین‌داری بر روی محافظه‌کاری سیاسی، مدل مناسبی است.

جدول ۳. مقادیر ضریب تعیین پزودو

کاکس و نل	۰/۱۳
نیجل کرک	۰/۱۴

جدول ۳ مقادیر آماره‌های ضریب تعیین پزودو (شامل دو ضریب تعیین کاکس و نل و نیجل کرک) را نشان می‌دهد که تقریب‌های ضریب تعیین در رگرسیون خطی هستند که در رگرسیون ترتیبی استفاده می‌شوند. همان‌طور که در جدول فوق آمده است، مقادیر هر سه آماره مربوط به ضریب تعیین پزودو طبق آماره‌های کوهن در حد متوسطی قرار دارند که توانسته‌اند تنها بین ۱۳ تا ۱۴ درصد از واریانس محافظه‌کاری سیاسی در بین پاسخگویان مورد بررسی را تبیین کنند. به عبارت دیگر، میزان نسبتاً متوسطی از واریانس پارامتر محافظه‌کاری سیاسی توسط مدل دین‌داری مورد نظر تبیین شده و بیشترین میزان این واریانس تحت تأثیر دیگر پارامترهایی است که در مدل نیامده‌اند و در نتیجه به‌عنوان متغیرهای مستقل بررسی نشده‌اند.

جدول ۴. برآوردهای پارامتر

سطح معنی داری	درجه آزادی	والد	خطای استاندارد	برآورد
۰/۹۶	۱	۰/۰۰	۰/۴۹	۰/۰۲
۰/۲۱	۱	۱/۵۴	۰/۴۹	۰/۶۱
۰/۰۱	۱	۶/۱۰	۰/۴۹	۱/۲۱
۰/۰۰	۱	۱۰/۷۵	۰/۴۹	۱/۶۱
۰/۰۰	۱	۴۴/۶۲	۰/۵۱	۳/۴۶
۰/۰۰	۱	۵۹/۸۱	۰/۵۲	۴/۰۸
۰/۰۰	۱	۷۱/۹۲	۰/۵۳	۴/۵۶
۰/۰۰	۱	۹۲/۴۱	۰/۵۶	۵/۴۰
۰/۰۰	۱	۱۰۲/۱۰	۰/۵۸	۵/۹۳
۰/۶۰	۱	۰/۲۶	۰/۱۵	۰/۰۷
۰/۱۲	۱	۲/۳۹	۰/۱۷	-۰/۲۷
۰/۰۰	۱	۲۶/۷۵	۰/۱۵	۰/۷۷
۰/۰۵	۱	۳/۶۰	۰/۱۴	۰/۲۷

جدول ۴ با عنوان برآوردهای پارامتر مهم‌ترین جدول برای تفسیر میزان تأثیر رگرسیونی هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته محافظه‌کاری سیاسی است. در این جدول برای برآوردهای پارامتر، خطای انحراف استاندارد آن‌ها، آزمون‌های معنی‌داری و آمار والد برای تمامی پارامترهای مدل به تفکیک آمده است. منتهی تأکید اصلی در اینجا بر معنی‌داری برآوردها و آزمون والد است. همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد، تأثیر ابعاد پیامدی و عاطفی دین‌داری بر میزان محافظه‌کاری سیاسی پاسخگویان در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار است. همچنین ضریب و جهت تأثیر این دو متغیر بر محافظه‌کاری سیاسی مثبت است؛ یعنی همراه با افزایش مقادیر این دو متغیر، احتمال گرایش به محافظه‌کاری سیاسی یا همان اصول‌گرایی افزایش می‌یابد. این امر نشان می‌دهد که با فرض ثابت ماندن تأثیر تمامی متغیرهای مدل، افزایش یک واحد در ابعاد پیامدی و عاطفی دین‌داری با افزایش ۰/۷۷ و ۰/۲۷ واحد در نسبت‌های لگاریتم متغیر وابسته ابعاد پیامدی و عاطفی

دین‌داری همراه خواهد بود. به عبارتی، افرادی که در ابعاد پیامدی و عاطفی دین‌داری قوی‌تر هستند، نسبت به افراد دیگر، از میزان محافظه‌کاری سیاسی بیشتری برخوردارند و احتمال بیشتری وجود دارد که در طبقات بالاتر اصول‌گرایی قرار بگیرند. از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهد که در ابعاد اعتقادی و تجربی دین‌داری، تفاوت معنی‌داری بین افراد وجود ندارد و چنین مؤلفه‌هایی تأثیری بر روی گرایش افراد به اصول‌گرایی بر جای نمی‌گذارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همان‌طور که در مقدمه پژوهش اشاره شد، هدف این پژوهش بررسی تأثیرات دین‌داری و هویت دینی بر روی محافظه‌کاری به‌عنوان یکی از نگرش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی افراد بود. قبل از هرچیز نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در ایران، حداقل در بین پاسخگویان مطالعه‌شده در این پژوهش، یک محافظه‌کاری ناب به آن شکل که در انگلستان وجود دارد، موجود نیست. همان‌گونه که در جدول پایین نیز آمده است، محافظه‌کاری اقتصادی با محافظه‌کاری سیاسی یک رابطه منفی و با محافظه‌کاری فرهنگی نیز رابطه به‌شدت ضعیفی دارد. همچنین میان محافظه‌کاری فرهنگی و سیاسی نیز همبستگی ۰/۱۹ حاکی از آن است که بر اساس معیارهای کوهن، هرچند یک ارتباط مثبت بین این ابعاد محافظه‌کاری وجود دارد، اما چنین ارتباطی ضعیف است.

جدول ۵. ماتریس همبستگی بین ابعاد محافظه‌کاری

	محافظه‌کاری اقتصادی	محافظه‌کاری فرهنگی	محافظه‌کاری سیاسی
محافظه‌کاری اقتصادی	۱/۰۰		
محافظه‌کاری فرهنگی	۰/۰۵	۱/۰۰	
محافظه‌کاری سیاسی	-۰/۰۴	۰/۱۹	۱/۰۰

بدین ترتیب نمی‌توان در ایران از یک محافظه‌کاری کامل آن‌گونه که وبر آن را «ایده‌آل تیپ» می‌نامد، بحث کرد. محافظه‌کاری غربی شاخصه‌هایی دارد که با «محافظه‌کاری ایرانی» در تناقض است. در غرب، صنعتی شدن، تأثیرات عمیقی را بر رفتارهای اجتماعی و سیاسی نهاد که می‌توان گفت آن را تا حد زیادی دگرگون ساخت؛ اما در ایران محافظه‌کاری عمدتاً

بر اقتصاد بسته دلالت دارد. چه در ایده و چه در عمل، محافظه‌کاران ایرانی که عمدتاً از قشر بازاری هستند، در دهه‌های گذشته، علاقه‌ای به رشد و توسعه گسترده بخش صنعتی نداشتند؛ اما در غرب محافظه‌کاری مذهبی گرایش به سرمایه‌گذاری در صنعت دارد و به صنعت و تجارت و تولید التزام نشان می‌دهد. چنین امری باعث می‌شود تا در ایران محافظه‌کاری به معنای واقعی خود که در آن بین حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نوعی همبستگی و انطباق وجود دارد، صورت نگیرد (برای مطالعه بیشتر رجوع شود به بشیریه، ۱۳۹۵). به همین دلیل در این پژوهش از ابعاد محافظه‌کاری - به شکل جداگانه - بحث شد و مفهوم محافظه‌کاری کلی که از مجموع محافظه‌کاری اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به دست می‌آید، مورد بررسی قرار نگرفت.

از سوی دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان دین‌داری و محافظه‌کاری اقتصادی رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ به عبارت دیگر هویت دینی هیچ تأثیر معنی‌داری در گرایش افراد به خصوصی‌سازی، بازار آزاد و مسائلی از این قبیل نداشته و سؤال پژوهش حاضر در مورد نسبت مثبت یا منفی این دو مفهوم مورد ابطال قرار گرفته است. درحالی‌که ماکس وبر به جد معتقد بود که دین می‌تواند در سطح وسیعی از جامعه، در اقتصاد نیز نقش‌آفرینی کند، اما پژوهش حاضر برخلاف نظریات وبر نشان می‌دهد که دین‌داری نتوانسته است به شکل معنی‌داری بر روی نگرش اقتصادی مردم تأثیر گذارد.

اما بر اساس نتایج پژوهش، دین‌داری بر روی محافظه‌کاری فرهنگی تأثیر معنی‌دار و مثبتی داشته است و چنین امری باعث افزایش گرایش‌های محافظه‌کارانه افراد در مسائل فرهنگی شده است، به طوری که هویت دینی باعث می‌شود نسبی‌گرایی فرهنگی در افراد کاهش یابد. شاید یکی از علل این امر آن است که بر اساس مفروضات این پژوهش، نقطه مقابل محافظه‌کاری فرهنگی، لیبرالیسم فرهنگی است. از نظر لیبرالیسم فرهنگی، دین پدیده‌ای فردی یا خصوصی است. قلمرو دین محدود به شخص است نه اجتماع، سیاست و اقتصاد. در این تعریف، دین رابطه‌ای است فردی که هر کس آزاد است بر اساس مبانی فرهنگی خاص و مورد قبول خود رفتار کند و بیاندهد؛ اما از نظر اسلام، دین امری جامع و کامل بوده، به همه حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... مربوط است. قلمرو

دین، قلمرو حداکثری است و علاوه بر آخرت، چگونگی رفتار انسان‌ها در دنیای امروزی را نیز در برمی‌گیرد. تساهل و تسامح لیبرالی از نظر اسلام پذیرفته نیست. اسلام در مقام پذیرش دین، اجباری برای افراد ایجاد نمی‌کند؛ اما اندیشه و عقاید تا زمانی که از مسیر حق، ادب و قانون خارج نشود، پذیرفته است. بدین ترتیب اسلام، سهل‌انگاری و سازش‌کاری در برخی از امور فرهنگی را مردود می‌داند و چنین امری باعث می‌شود تا هویت دینی با گرایش‌های نسبی‌گرایانه در حوزه‌های فرهنگی رابطه‌ای معکوس داشته باشد.

سرانجام یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به هر میزان هویت دین‌داری در افراد تقویت می‌یابد، احتمال گرایش آنان به سمت گروه‌های اصول‌گرا- که در این پژوهش به‌عنوان محافظه‌کاری سیاسی مفروض گرفته شده است- افزایش می‌یابد. در این میان به‌خصوص ابعاد پیامدی و مناسکی دین‌داری، بیشترین تأثیر را در چنین نگرش سیاسی داشته است، چراکه در ابعاد اعتقادات دینی و عواطف دینی بین اصول‌گرایان و محافظه‌کاران تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. چنین امری با نتایج پژوهش‌های دیگران در ایران از جمله صمیمی (۱۳۹۰)، میرزایی (۱۳۸۸)، کشاورز (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. در رابطه‌سنجی این امر باید گفت که به نظر می‌رسد هرچند مفهوم هویت دینی بین دو جریان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب امری پارادوکسیکال نیست، اما به هر حال اصول‌گرایان بیش از اصلاح‌طلبان بر روی هویت دینی تأکید می‌کنند. آن‌ها در کنار تقویت هویت دینی در چهارچوب گفتمان اصول‌گرایی، هویت‌های ایران باستان و هویت غربی را به شکل‌های مختلف و اندازه‌های متفاوت طرد می‌کنند و چنین امری باعث می‌شود تا افراد با هویت‌های دینی قوی بیش از دیگران به چنین نگرش سیاسی گرایش یابند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۶۸)، فرهنگ سیاسی، تهران؛ مروارید، چاپ چهارم،
- اعتمادی فرد، سید مهدی (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی وضعیت دین در ایران، ترکیه و مصر، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱.
- امام جمعه زاده، جواد؛ محموداوغلی، رضا؛ عیسی‌نژاد، امید (۱۳۸۹)، بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۵) زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران، ترجمه علی اردستانی، نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم؛ جلد دوم (لیبرالیسم و محافظه کاری)، چاپ هشتم، تهران، نشرنی.
- بهداروند، محمد مهدی (۱۳۸۱)، درآمدی بر رابطه دین و سیاست، مجله حکومت اسلامی، شماره ۲۴.
- جهانیان، یسنا (۱۳۸۸)، نزاع راست محافظه کار و راست رادیکال در مجلس، مجله گزارش، شماره ۲۱۳.
- زحمتکش، مهدی، جعفری، علی (۱۳۹۰)، رابطه دین و سیاست در اسلام، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳، صمیمی، فریبرز (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر گرایش به ایدئولوژی اصولگرایی، پایان نامه دانشگاه علامه طباطبایی.
- صولتی، مهران (۱۳۸۸)، بررسی رابطه دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تربیت معلم، پایان نامه دانشگاه پیام نور تهران.
- علمدار، فاطمه سادات (۱۳۸۸)، بررسی رابطه دینداری و نوگرایی (جوانان ۲۰-۲۹ سال شهر تهران)، پایان نامه دانشگاه الزهراء.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۵)، نسبت دین و سیاست، قیاسات، شماره ۱،
- فریبا، شایگان (۱۳۸۷)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی، دانش سیاسی، شماره ۷،
- فیله‌کش، مریم (۱۳۹۲)، بنیادهای نظری رویکرد نواندیشان پسااسلامگرا به رابطه دین و دموکراسی، پایان نامه دانشگاه فردوسی مشهد.
- کشاورز، حمیدرض (۱۳۹۰)، بررسی رابطه میان گونه‌های مختلف دینداری و گرایش‌های سیاسی، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار.
- مهدی، خلف‌خانی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه میان گونه‌های مختلف دینداری و گرایش‌های سیاسی، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- مهدی، میرزایی (۱۳۸۸)، بررسی رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی، پایان‌نامه دانشگاه تربیت مدرس.
- موحد، مجید، دلبری محمد (۱۳۸۳)، دینداری سنتی و نگرش نسبت به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، علوم اجتماعی، شماره ۳.
- میرزایی، مهدی (۱۳۸۸)، بررسی رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی، پایان‌نامه دانشگاه تربیت مدرس.

- Argyle, M (2000). **Psychology and Religion: An Introduction**. New York, NY: Routledge.
- Chehabi H.E.(2001), The Political Regime of the Islamic Republic of Iran in Comparative Perspective, *Government and Opposition*, Vol. 36, No. 1 (January 2001), 48-70.
- Fukuyama, Francis. (2001), **The West Has Won**. *The Guardian*.
- Goren, P. (2005). Party identification and core political values. *American Journal of Political Science*, 49(4), 881-896.
- Green, Donald P., Bradley Palmquist, & Schickler, Eric. (2002). **Partisan Hearts and Minds: Political Parties and Social Identities of Voters**. New Haven, CT: Yale University Press.
- Haas M. L.(2012) , **The Clash of Ideologies: Middle Eastern Politics and American Security**, New York: Oxford University Press.
- K.M. (2004). The partisan paradox: religious commitment and the gender gap in party identification. *Public Opinion Quarterly*, 68(4), 491-511.
- Layman, G.C. (1997). Religion and political behavior in the united states: The impact of beliefs, affiliations, and commitment from 1980 to 1994. *Public Opinion Quarterly*, 61(2), 288-316.
- Layman, Geoffrey. (2001). **The Great Divide: Religious and Cultural Conflict in the American Political Party System**. New York, NY: Columbia.
- Lewis, Bernard. (1993). Islam and Liberal Democracy. *Atlantic Monthly* 271 (2):89-98.
- Mir-Hosseini, Ziba (2002). The Conservative: Reformist Conflict over Women's Rights in Iran. *International Journal of Politics, Culture, and Society*, vol. 16, no. , pp. 37-53.
- Patrikios, S. (2008). American republican religion? Disentangling the causal link between religion and politics in the u.s. *Political Behavior*, 30, 367-389.
- Rinehart, S.T., & Perkins, J. (1989). The intersection of gender politics and religious beliefs. *Political Behavior*, 11(1), 33-56.
- Schoenfeld, E. (1992). Militant submissive religions: Class, religion, and ideology. *The British Journal of Sociology*, 43(1), 111-140.
- Wimberley, R.C. (1978). Dimensions of commitment: Generalizing from religion to politics. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 17(3), 225-240.